

بر شتر و اسب و ... نمی‌گذارد. مؤید کلام، روایت صحیح مسلم است که حدیث «لا تشدّ الرّحال إلّا إلى ثلاثة مساجد»^۱ را به صورت «إنّما یسافر إلى ثلاثة مساجد»^۲ هم نقل کرده است، که جمع دلالی این دو روایت همان مطلق سفر کردن به این مساجد می‌شود،^۳ و اینکه پیامبر اکرم ﷺ به صورت کنایه از مسافرت به غیر از مساجد ثلاثة نهی کرده، سخنی بلیغ‌تر از این است که تصریح کند و بگوید: «لا تسافروا»؛ زیرا با کنایه صورت حالت مسافرت و مهیا کردن اسباب بر مرکب‌ها، و بستن و محکم کردن آن برای انسان مجسّم می‌شود.^۴

مسئله شد رحال و دیدگاه ابن تیمیه

زیارت قبر نبی اکرم ﷺ از جمله اعمالی است که اکثر قریب به اتفاق علمای اسلام بر فضیلت آن تأکید دارند،^۵ و آن را از بهترین وسائل قرب الهی و کارگشترین عمل برای برآورده شدن حوائج می‌دانند.^۶ حتّی بسیاری از علمای احناف زیارت قبر حضرت را، برای کسی که استطاعت زیارت داشته باشد قریب به وجوب می‌دانند.^۷ لذا مسلمانان از گذشته‌های دور برای رسیدن به این فضیلت، به نیت زیارت قبر پیامبر ﷺ بار سفر می‌بستند.^۸ این مسئله تا حدود قرن هفتم هیچ مخالفی نداشت تا اینکه در ۷۲۶ هجری قمری بین ابن تیمیه حرّانی و علمای مسلمان درباره این مسئله اختلاف به وجود آمد.^۹ ابن تیمیه قائل به عدم مشروعیت شد رحال برای زیارت قبر نبی اکرم ﷺ شد و بعد از او

۱. مسلم بن حجّاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۱۴، ح ۱۳۹۷.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۰۱۵، ح ۱۳۹۷.

۳. احمد بن محمّد قسطلانی، إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری، ج ۲، ص ۳۴۳.

۴. محمّد ادریس کاندهلوی، التعليق الصبیح علی مشکاة المصابیح، ص ۳۰۷.

۵. نک: محمّد بن علی شوکانی، نیل الأوطار، ج ۵، ص ۱۱۳.

۶. یحیی بن شرف نووی، المجموع شرح المذهب، ج ۸، ص ۲۷۲.

۷. نک: محمّد بن عبد الواحد بن لهما، فتح القدیر، ج ۳، ص ۱۷۹.

۸. محمّد انور شاه کشمیری، فیض الباری علی صحیح البخاری، ج ۲، ص ۵۸۹.

۹. محمّد بن احمد بن عبد الهادی، العقود الدریة من مناقب شیخ الاسلام أحمد بن تیمیة، ص ۳۴۳.

برخی از حنابله از او تبعیت کردند.^۱ او برای اینکه فتوایش در مقابل اجماع مسلمانان قرار نگیرد، نقل اجماع را به نحوی تأویل می‌برد و قائل می‌شود که مراد علمای مسلمان بر استحباب زیارت، فقط مربوط به سفر به مسجدالنبی است، و فقط همین مورد است که برای زائر مشروع است، و زائران و مسافران صرفاً برای اقامه نماز می‌توانند به مسجدالنبی بروند و پس از اقامه نماز به نزد قبر پیامبر بیایند و عرض سلام کنند.^۲ ابن تیمیه برداشت خود را تنها قول صحیح در مسئله دانسته، می‌نویسد: اگر کسی غیر از این را بگوید اصلاً دین اسلام را نفهمیده است، و اگر اصرار بر گفته خویش کند به راه پیامبر اکرم و قاطبه مؤمنین دشمنی ورزیده و در این صورت، قتلش واجب می‌شود.^۳ عاقبت ابن تیمیه به دلیل فتوایش دو بار گرفتار زندان شام شد؛ بار اول را به همراه شاگردش ابن قیم جوزیه، و بار دیگر را به تنهایی در زندان به سر برد تا اینکه در همان زندان از دنیا رفت.^۴

عمده‌ترین دلیل ابن تیمیه بر حرمت، حدیث «لا تشدّ الرّحال» است که بخاری و مسلم از طریق ابوهریره و ابوسعید خدری، و دیگر طرق از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: «لا تشدّ الرّحال إلّا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، والمسجد الأقصى، ومسجدی هذا؛ بار سفر بسته نمی‌شود، مگر به سه مسجد، مسجدالحرام و مسجدالأقصی، و این مسجد من (مسجدالنبی)».^۵

به نظر ابن تیمیه، گرچه عبارت «لا تشدّ الرّحال» به صورت نفی وارد شده، ولی دال بر نهی است، و نهی به صورت صیغه خبری وارد شده است، و طرق دیگر حدیث که به

۱. محمّد بن علی شوکانی، ذیل الأوطار، ج ۵، ص ۱۱۳.

۲. احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه حرانی، الرد علی الأحنائی قاضی المالکیة، ص ۸۴.

۳. فالذی یقول: «إن السفر للقبر دون المسجد هو المشروع»، فمن قال: هذا؛ فإنه لا یعرف دین الاسلام، فإن أصر علی مشاقّة الرسول وأتباع غیر سبیل المؤمنین تعین قتله؛ همان، ص ۸۵.

۴. محمد انور شاه کشمیری، فیض الباری علی صحیح البخاری، ج ۲، ص ۵۸۸.

۵. محمّد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۴۳، ح ۱۹۹۵؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۷۵، ح ۸۲۷.

صورت صیغه نهی «لا تشدوا الرحال»^۱ شاهد بر این مدعاست، و در فهم معنای نهی از این روایت هیچ نزاعی بین صحابه و تابعین وجود ندارد.^۲

ابن تیمیه در ادامه بحثی را درباره مستثنا منه روایت آغاز می‌کند که در مسئله دو وجه را احتمال می‌دهد:

اول: اینکه مستثنا منه روایت «مسجد» باشد که در این صورت تقدیر روایت «لا تشد الرحال إلى مسجد إلا المساجد الثلاثة» می‌شود، در این صورت حدیث به صورت لفظی نهی از سفر به تمامی مساجد می‌کند، و به دلالت تنبیه و فحوا و طریق اولی سایر بقاع را شامل می‌شود؛ زیرا مساجد و عبادت در آنجا محبوبیت بیشتری پیش خداوند از این بقاع بالنص والاجماع دارد. پس وقتی سفر به این بقاع مساجد که این قدر برتری دارند نهی شده است، به طریق اولی سفر به بقاع مفضوله را شامل می‌شود.

دوم: اینکه مستثنا منه «مکان» باشد که در این صورت در تقدیر روایت «لا تسافروا إلى بقعة و مکان غیر الثلاثة» می‌شود. در این صورت نهی از سفر به بقاع متبرکه بلا کلام شامل می‌شود.^۳

ابن تیمیه احتمال دوم را تقویت می‌کند و مؤید این تقدیر را روایت بصره بن اُبی بصره غفاری ذکر می‌کند.^۴ در این روایت آمده است هنگامی که ابوهریره از کوه طور برمی‌گشت، بصره بن اُبی بصره به او گفت: «اگر من تو را قبل از رفتنت می‌دیدم نمی‌گذاشتم که خارج شوی، من خودم از رسول خدا شنیدم که فرمود: «لا تعمل المطی إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام ومسجدی هذا ومسجد بیت المقدس؛ بار سفر بسته نمی‌شود مگر به سه مسجد: مسجد الحرام و این مسجد من (مسجد النبی) و مسجد بیت المقدس».^۵ به موجب دلالت حدیث، ابن تیمیه معتقد است اصحابی که «لا تشد

۱. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۷۵، ح ۸۲۷.

۲. احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه حرانی، الرد علی الأحنائی قاضی المالکیة، ص ۲۲.

۳. احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه حرانی، مجموع الفتاوی، ج ۲۷، ص ۲۴۷-۲۴۸.

۴. احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه حرانی، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، ج ۲، ص ۱۸۲.

۵. احمد بن شعیب نسائی، سنن النسائی بشرح السيوطی وخاشية السندی، ج ۳، ص ۱۲۷، ح ۱۴۲۹.

الرحال» را نقل کرده‌اند، از این حدیث این گونه فهمیده‌اند که کوه طور و امثال آن از مقامات انبیا در تحت عموم نهی این روایت قرار گرفته‌اند، و سفر به این اماکن جایز نیست و فقط سفر به مساجد ثلاثه مذکور جایز است.^۱

لذا ابن تیمیه با دلیل مذکور سفر برای زیارت حضرت نبی اکرم ﷺ را جایز ندانسته، آن را بدعت خوانده است، و بدین صورت زائران حریم نبوی را متذکر می‌شود که در هنگام زیارت قبر حضرت در مدینه منوره متوجه نیت خود باشند. اگر زائر قصد سفر به مسجد النبی برای اقامه نماز کند عملش بالنص والاجماع مشروع است، اما اگر فقط قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ را داشته باشد و اصلاً قصد مسجد النبی را نداشته باشد این سفر حرام است و قصر نمازش جایز نیست،^۲ همچنان که نذر سفر به غیر از مساجد ثلاثه را، به دلیل اینکه امری بر آن وجود ندارد نافذ ندانسته است و در صورت عدم عمل به مفاد نذر، حنث نذر صورت نمی‌گیرد،^۳ و اگر هم اعتقاد او این باشد که سفر به مسجد النبی به تبع قبر پیامبر ﷺ بوده است، این شخص با این کار مخالفت با اجماع مسلمانان کرده و از شریعت سرور مرسلین خارج شده است.^۴

دیوبندیان و جواز شد رحال به حریم نبوی

دیوبندیان به موجب آیه «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»^۵ معتقدند هر کسی که در محضر رسول خدا ﷺ حاضر شود و از آن حضرت طلب مغفرت کند، حضرت در حق او طلب مغفرت می‌کند، و حتماً آمرزیده خواهد شد. حضور در خدمت آن حضرت در زمان حیات حضرت صدق می‌کرد، و امروزه با حضور

۱. احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه حرانی، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، ج ۲، ص ۱۸۳.

۲. همو، الرد علی الأحنائی قاضی المالکیة، ص ۲۴.

۳. همو، مجموع الفتاوی، ج ۲۷، ص ۳۳۴؛ الفتاوی الکبری، ج ۱، ص ۱۷۶.

۴. همو، الرد علی الأحنائی قاضی المالکیة، ص ۲۶.

۵. «و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می‌کردند (و فرمان‌های خدا را زیر پا می‌گذاشتند)، به نزد تو می‌آمدند و از خدا طلب آمرزش می‌کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می‌کرد، خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند»؛ سوره نساء (۴)، آیه ۶۴.

در روضه مقدس ایشان همین حکم جاری است.^۱ زیارت قبر نبی اکرم ﷺ نزد آنها، از بزرگ‌ترین موجبات قرب الهی و از مؤثرترین موجبات رسیدن به درجات عالیه است.^۲ افزون بر اینکه نزد علمای دیوبند زیارت قبر نبی اکرم ﷺ قریب به وجوب است؛ اگرچه این زیارت با شدّ رحال و بستن بار سفر به آنجا و بذل جان و مال همراه باشد.^۳ آنها برای جواز شد رحال به دلایلی تمسّک کرده‌اند، که با ذکر دلایل آنها، به نقد دیدگاه ابن تیمیه از سوی دیوبندیان در مسئله پرداخته می‌شود.

الف. خروج مشاهد مشرفه از موضوع نهی حدیث

جمهور علمای اهل سنت، از جمله دیوبندیان معتقدند حصر موجود در حدیث «لا تشدّ الرحال»، حصر حقیقی نبوده، بلکه حصر، اضافی و به اعتبار «مساجد» صورت گرفته است،^۴ چراکه مستثنا منه در استثنای مفرغ گرچه باید عام باشد ولی باید از جنس مستثنا باشد که در این صورت باید «مساجد» را به عنوان مستثنا منه ذکر کرد.^۵ بدین منظور دیوبندیان استدلال ابن تیمیه مبنی بر تقدیر گرفتن «مطلق مکان» در استثنای مفرغ را نپذیرفته، معتقدند در روایت باید فقط «مسجد» در تقدیر گرفته شود، که در این صورت روایت، دیگر تعلّقی به زیارت قبور ندارد. مؤید این تقدیر روایتی است که احمد بن حنبل در مسند خود از ابوسعید خدری نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «لا تشدّ الرحال

۱. محمد شفیع عثمانی دیوبندی، معارف القرآن، ج ۴، ص ۴۴۴.

۲. خلیل احمد سہانپوری، المہند علی المفند، ص ۳۳.

۳. همان، ص ۳۳؛ همو، بذل المجہود فی حلّ اُبی داوود، ج ۹ ص ۳۸۲. این فتوای سہارنپوری در کتاب المہند علی المفند به امضای چند تن از علمای دیوبند رسیده است که از این افراد می‌توان به رشید احمد گنگوہی، شیخ محمود حسن دیوبندی، شیخ میر احمد حسن حسینی، شیخ عزیز الرحمان دیوبندی، شیخ اشرف علی تہانوی، شیخ شاہ عبدالرحیم رانفوری، شیخ حاج حکیم محمد حسن دیوبندی، مولوی قدرۃ اللہ، مفتی کفایت اللہ، شیخ محمد یحیی سہارنپوری اشاره کرد؛ نک: محمد بن علوی المالکی، زیارة النبوة بین البدعية والشرعية، ص ۱۱۳.

۴. ظفر احمد عثمانی، إعلاء السنن، ج ۱۰، ص ۴۹۹.

۵. سیّد محمد یوسف حسینی بنوری، معارف السنن، ج ۳، ص ۳۳۲.

۶. بدرالدین عینی در عمدة القاری سند روایت احمد بن حنبل را «حسن» دانسته، معتقد است «شہر بن حوشب» را که در سند روایت وارد شده، برخی از ائمہ رجال توثیق کرده‌اند؛ نک: عمدة القاری شرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۲۵۴.

إلى مسجد ليصلّى فيه إلّا إلى ثلاثة مساجد»^۱، در این روایت، که شبیه روایت بخاری و مسلم است، مستثنا منه که «مساجد» است، ذکر شده و این خود بهترین دلیل بر تقدیر «مسجد» در مستثنا منه روایت است.^۲

اشرف‌علی تهانوی، از دیگر علمای دیوبند، روایت مسند احمد را مفسّر حدیث «لا تشدّ الرحال» دانسته،^۳ در ادامه می‌افزاید: اگر این حدیث را به عنوان مفسّر قبول نکنیم، لا اقلّ محتمل است که حدیث فقط مربوط به مساجد باشد و تعلّقی به بحث زیارت قبور نداشته باشد، و هنگامی که احتمال دیگری داده شود، استدلال به حدیث مذکور بر حرمت سفر برای زیارت باطل است.^۴ تهانوی در فتاوی خود تصریح می‌کند که نهی در روایت، مربوط به صورتی است که شخص مسافر به نیت تضاعف و افزایش در ثواب نمازش به مسجد دیگری سفر کند، که این روایت با نهی اش چنین فضیلتی را رد می‌کند و لذا بدین صورت حدیث مذکور از بحث زیارت قبور خارج است.^۵

شبیر احمد عثمانی، از دیگر بزرگان دیوبندیه، حدیث «لا تشدّ الرحال» را در مقام بیان فضیلت مساجد ثلاثه و فضیلت شدّ الرحال دانسته است. زیرا معنای حدیث نزد جمهور علماء «لا فضیلة فی شدّ الرحال إلى مسجد غيرها» است.^۶ به عبارت دیگر، فضیلت تامه در شدّ رحال به این مساجد ثلاثه است. این فضیلت تامه در مساجد دیگر وجود ندارد.^۷

محمد ادریس کاندهلوی، از دیگر بزرگان دیوبندیه، معتقد است حدیث درباره مساجد وارد شده و اصلاً ناظر به مشاهد شریفه نیست. زیرا روایت می‌خواهد بگوید که مساجد

۱. منظور از روایتی که در مسند احمد وارد شده و مستثنی منه آن ذکر شده، روایت ابوسعید خدری است که از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده است: «لا یُتَبَغَى لِلْمَطِيِّ أَنْ تُشَدَّ رَحَالُهُ إِلَى مَسْجِدٍ يَتَبَغَى فِيهِ الصَّلَاةُ، غَيْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، وَالْمَسْجِدِ الْأَقْصَى، وَمَسْجِدِي هَذَا»؛ احمد بن حنبل، مسند، ج ۱۸، ص ۱۵۲.

۲. محمد انور شاه کشمیری، فیض الباری علی صحیح البخاری، ج ۲، ص ۵۸۹؛ محمد یوسف حسینی بنوری، معارف السنن، ج ۳، ص ۳۳۲.

۳. اشرف‌علی تهانوی، امداد الفتاوی، ج ۵، ص ۹۲.

۴. همان، ج ۵، ص ۹۳.

۵. همان، ج ۵، ص ۹۲.

۶. شبیر احمد عثمانی، موسوعة فتح الملهم بشرح صحیح الامام مسلم بن حجاج القشیری، ج ۶، ص ۵۳۸.

۷. همان، ج ۶، ص ۴۸۹.

ثلاثة از حیث فضیلت شد رحال در اولویت هستند و در مرحله بعد از حیث فضیلت مساجد دیگر همگی در یک رتبه قرار دارند، و از باب اینکه هر شهری برای خود مسجدی دارد و از حیث ثواب با مسجد شهر دیگر فرقی ندارد، معنا ندارد شخصی شدّ رحال به مساجد متماثل دیگر کند، ولی مشاهد مشرفه این گونه نیستند و با هم برابر نیستند، بلکه برکت زیارت آنها به قدر درجاتشان نزد پروردگار است.^۱

سهارنبوری در کتاب بذل المجهود فی حلّ ابی داوود کلام جالبی آورده است:
 نهی در روایت نسبت به شدّ رحال به مساجد است نه به جمیع بقاع، و سلّما اگر به تمامی بقاع نهی تعلق گرفته باشد، استثنای این سه مسجد به دلیل فضیلتی است که دارند، و فضیلت قبر نبی اکرم به گونه‌ای است که نه تنها اقتضا دارد زائر به سوی آن شدّ رحال کند، بلکه اولی این است که زائر با پای چشم به قصد زیارت نبی اکرم سفر کند.^۲

ب. کلام ابن تیمیه برخلاف اجماع مسلمانان است.

حسینی بنوری، از علمای دیوبند، در ردّ ادعای ابن تیمیه، به نقل اجماع از مذاهب اهل سنت اشاره می‌کند و می‌گوید قاضی عیاض، از علمای مالکی‌مذهب، و نووی، از علمای شافعی، و ابن‌الهمام، از علمای حنفی، همگی بر جواز شدّ رحال به حریم حضرت نبوی نقل اجماع کرده‌اند. نخستین کسی که چنین خرق اجماعی کرد ابن تیمیه حرانی بود.^۳ برخی دیگر از دیوبندیان خرق اجماع ابن تیمیه را بدین صورت بیان می‌کنند که اجماع مسلمانان بر این اقامه شده است که شدّ رحال برای تجارت و سایر خواسته‌های دنیوی جایز است، همچنان‌که اجماع دارند بر وجوب سفر به عرفه و منا و مزدلفه در مناسک حج، و وجوب جهاد و هجرت از دارالکفر، و بر استحباب شدّ رحال برای طلب علم. حال اگر بگوییم که سفر فقط برای مساجد ثلاثة جایز بوده و در موارد دیگر جایز

۱. محمّد ادریس کاندهلوی، التعلیق الصبیح علی مشکاة المصابیح، ج ۱، ص ۳۰۷.

۲. خلیل احمد سهارنبوری، بذل المجهود فی حلّ ابی داوود، ج ۹، ص ۳۸۲.

۳. سیّد محمّد یوسف بن محمّد زکریّا حسینی بنوری، معارف السنن شرح جامع الترمذی، ج ۳، ص ۳۳۱.

نیست، برخلاف اجماع مسلمانان در مسائل مربوطه مشی کرده‌ایم. پس چاره‌ای نداریم جز اینکه با اجماع مخالفت نکنیم، و از چنین برداشت نادرستی دست برداریم.^۱

ج. سیره مسلمانان در رفتن به مدینه به قصد زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

همواره شیوه مسلمانان در تمامی دوره‌ها و با گرایش‌های مذهبی مختلف بر این بوده است که وقتی عازم مدینه منوره می‌شوند، به قصد زیارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشرف می‌شوند، و این عمل را از افضل اعمال می‌دانند، و کسی این کار را انکار نکرده است و این مسئله نزد مسلمانان اجماعی است.^۲

از نظر کشمیری، جمهور اهل سنت شدّ رحال برای زیارت قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را جایز می‌دانند و دلیل بر این مطلب ثبوت سفر از طرف سلف صالح به روضه نبوی صلی الله علیه و آله و سلم است ... و اگر کسی اشکال کند که غرض آنها برای سفر به آنجا مسجد نبوی بوده و سفر برای زیارت در ضمن آن صورت گرفته است، در پاسخ می‌گوییم اگر غرض از سفر آنها بدین گونه بوده، پس چرا همان‌طور که به مسجدالنبی سفر می‌کنند به مسجدالأقصی سفر نمی‌کردند، آن مسجد هم فضیلت زیادی دارد. پس چرا گذشتگان به قصد عبادت به مسجدالأقصی شدّ رحال نمی‌کردند.^۳

سهانپوری برای نمونه عمل ملا عبدالرحمن جامی را شاهد بر این مدّعا ذکر می‌کند که وی سفر برای زیارت حضرت نبی صلی الله علیه و آله و سلم را از سفر حجّ جداگانه اختیار می‌کرد. وی این روش را با مذهب محبّین حضرت صلی الله علیه و آله و سلم متناسب‌تر می‌بیند.^۴

شیخ الاسلام حسین احمد مدنی، از دیگر عالمان دیوبندیه، در تأیید شدّ رحال برای زیارت روضه نبوی سیره علمای خود را شاهدهی بر جواز عمل می‌داند و در کتاب معروف

۱. ظفر احمد عثمانی، إعلاء السنن، ج ۱۰، ص ۴۹۹.

۲. همان، ج ۱۰، ص ۴۹۹.

۳. محمد انور شاه کشمیری، العرف الشذی شرح سنن الترمذی، ج ۱، ص ۳۲۶؛ سیّد محمد یوسف حسینی بنوری، معارف السنن، ج ۳، ص ۳۳۴.

۴. خلیل احمد سهانپوری، المهند علی المفند، ص ۳۳-۳۶.

«الشهاب الثاقب علی المسترق الکاذب»^۱ آورده است که اکابر و بزرگان ما از علمای دیوبند با طائفه طغیان‌گر وهابیت در مسئله شدّ رحال از هر ناحیه‌ای مخالف‌اند و دائماً برای زیارت پیامبر ﷺ به آنجا مسافرت می‌کنند و می‌ترسند از زمره کسانی قرار بگیرند که پیامبر فرمود: «من حجّ ولم یزرنی فقد جفانی؛ کسی که حج بجا بیاورد و به زیارت نیاید بر من جفا کرده است»^۲؛ و عامل به این حدیث نبوی ﷺ هستند که ایشان می‌فرمایند: «مَنْ رَأَى فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ؛ کسی که مرا ببیند، پس در واقع حق تعالی را دیده است»^۳، اما در مقابل وهابیان اعتقاد دارند که زیارت رسول الله ﷺ و حضور نزد ضریح شریفش و مشاهده روضه مطهره آن حضرت بدعت و حرام است و سفر کردن به این تبت را حرام می‌دانند، و برای گفته خود به حدیث «لا تشدُّ الرحال» تمسک می‌کنند، حتی برخی از وهابی‌ها - العیاذ باللّه - معتقدند سفر زیارت پیامبر به منزله زنا کردن است. لذا وقتی وهابی‌ها به مسجد نبوی می‌روند هیچ سلام و صلوات و دعایی بر حضرت نبی ﷺ نمی‌کنند.^۴

د. اطلاق روایت «من زار قبری»

دلیل دیگری که علمای دیوبند بر جواز شدّ رحال به حریم نبوی به آن استناد کرده‌اند، روایتی از پیامبر اکرم ﷺ است که حضرت فرمودند: «مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي»^۵، به طوری که دلالت روایت عام است و بر هر زائری اطلاق می‌گردد، چه آنکه از اهل مدینه باشد و چه از نقاط دیگر عالم آمده باشد؛ و ما دلیلی نداریم که این روایت

۱. حسین احمد مدنی، الشهاب الثاقب علی المسترق الکاذب، ص ۴۵-۴۶.

۲. محمّد بن محمود بن نجّار، الدرة الثمينة فی أخبار المدينة، ص ۱۵۵؛ سهارنبوری درباره این حدیث می‌گوید: «این روایت به سند «حسن» از ابن عدی نقل شده است و کسانی که قاتل به وجوب زیارت قبر نبوی شدند به این حدیث تمسک کرده‌اند»؛ بذل المجهود فی حلّ أبی داوود، ج ۹، ص ۳۸۲.

۳. احمد بن محمّد بن حنبل شیبانی، مسند الامام أحمد بن حنبل، ج ۳۷، ص ۲۹۲، ح ۲۲۶۰۶.

۴. حسین احمد مدنی، الشهاب الثاقب علی المسترق الکاذب، ص ۴۵-۴۶.

۵. علی بن عمر الدارقطنی، سنن الدارقطنی، ج ۳، ص ۳۳۴.

مخصوص به کسی باشد که قریب به مدینه یا از اهل مدینه باشد. لذا به موجب اطلاق این روایت شد رحال برای زیارت قبر نبی اکرم جایز است.^۱

رد کلام ابن تیمیه درباره نیت زائر مدینه منوره

اما راجع به نیت زائر،^۲ محمد انور شاه کشمیری سیره هزاران تن از علمای سلف را با اعتقاد به اینکه زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از بزرگ‌ترین راه‌های قرب الهی است، بر استمرار شد رحال برای زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌داند، و اینکه گفته شود آنها برای رفتن به آنجا فقط نیت مسجد النبی می‌کردند بدون آنکه روضه مبارکه حضرت را قصد کنند، کلام باطلی است چرا که آنها قطعاً نیت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌کردند^۳ و به فرض آنکه بپذیریم آنها فقط به قصد مسجد النبی می‌آمدند، باید بپرسیم چرا آنها همانند اینکه عازم سفر به مسجد نبوی می‌شدند به قصد مسجد الاقصی عزم سفر نمی‌کردند.^۴

سهارنیوری هم نظر وهابیان را - که با توجه به حدیث «لا تشد الرحال» همانند ابن تیمیه قائل اند که در سفر مدینه منوره نباید به جز به نیت رفتن به مسجد النبی، چیز دیگری را در نظر گرفت - کلام باطلی می‌داند؛ زیرا به نظر وی، حدیث مذکور اصلاً دلالت بر منع نیت زیارت ندارد، بلکه بالعکس اگر انسان صاحب فهم در معنای حدیث تأملی کند به درستی می‌یابد که نص حدیث دلالت بر جواز دارد؛ زیرا علتی که این سه مسجد را از سایر مساجد و اماکن مستثنا کرده همان فضیلت و برتری است که مخصوص به خود آنهاست که این برتری و فضیلت با مزیت افزون‌تری در بقعه شریفه نبوی صلی الله علیه و آله موجود است؛ زیرا بقعه شریفه و زمین مقدسی که با اعضای مبارکه جسم اطهر جناب رسول الله صلی الله علیه و آله تماس داشته، علی‌الاطلاق بر هر چیز دیگری برتری دارد و حتی بر کعبه

۱. ظفر احمد عثمانی، إعلاء السنن، ج ۱۰، ص ۴۹۹.

۲. این قسمت، ناظر به رد ادعای ابن تیمیه مبنی بر این است که زائر فقط می‌تواند به نیت قصد زیارت پیامبر اکرم عازم مدینه منور شود.

۳. محمد انور شاه کشمیری، فیض الباری علی صحیح البخاری، ج ۲، ص ۵۸۹.

۴. همو، العرف الشذی شرح سنن الترمذی، ج ۱، ص ۲۲۷.

مشرفه و بر عرش و کرسی هم برتری دارد، چنانچه فقها و علمای مذاهب ما بدان تصریح کرده‌اند؛ و اگر مساجد سه‌گانه به دلیل فضیلت خاصی که بر سایر مساجد دارند از عموم نهی مستثنا شده‌اند، پس به طریق اولی بقعه مطهر رسول اکرم صلی الله علیه و آله به دلیل آن فضیلت عامه‌اش از نهی مذکور مستثنا است. مولانا رشید أحمد گنگوهی در رساله زبدة المناسک فی فضل زیارة المدینة المنورة با صراحت بیشتری به این مسئله تصریح کرده است، و این کتاب بارها به چاپ رسیده است. همچنین درباره این بحث شریف مولانا صدرالدین دهلوی رساله‌ای با نام أحسن المقال فی شرح حدیث لا تشد الرحال نگاشته است و این رساله هم بارها به چاپ رسیده و بین اهل علم مشهور است.^۱

حسینی بنوری از علمای دیوبندیه در این باره می‌گوید:

به راستی چه کسی حاضر است سختی‌ها و مشکلات سفری حدود ۷۰۰ میل به صورت رفت و آمد را به جان بخرد فقط برای تحصیل اجر هزار نماز؛ در حالی که می‌تواند به جای آن اجر بدل آن را، یعنی ثواب صد هزار نماز در مسجد الحرام را بدون هیچ تحمل سختی راه کسب کند؛ نه هرگز، بلکه قافله‌ها و کاروانان به سوی بقعه مقدسه‌ای می‌روند که آنجا آرامگاه محبوب رب العالمین، رحمة للعالمین، امام المرسلین، سید ولد آدم اجمعین است؛ بقعه‌ای که انوار الاهی به آن تابیده می‌شود و در پوشش تجلیات ربانیه قرار دارد.^۲

لذا در این صورت زائری که می‌خواهد به زیارت قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شود، ابتدا باید هنگام مسافرت نیت زیارت روضه نبوی صلی الله علیه و آله کرده، در ضمن آن نیت زیارت مسجد النبی صلی الله علیه و آله و غیر آن از بقعه‌های متبرکه و مشاهد شریفه را کند، بلکه اولی همان چیزی است که علامه ابن الهمام قائل بودند و آن اینکه زائر مدینه منوره نیتش را فقط برای زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص دهد نه چیز دیگر؛ سپس بعد از آنکه در آنجا حضور می‌یابد به خودی خود زیارت مسجد نبوی صلی الله علیه و آله هم حاصل می‌شود؛ زیرا با این کار زیادت تعظیم و اجلال بر ساحت نبی اکرم صلی الله علیه و آله وجود دارد، همچنان که مطابق فرمایش

۱. خلیل احمد سہانپوری، المہند علی المہند، ص ۳۳-۳۶.

۲. محمد یوسف حسینی بنوری، معارف السنن شرح سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۳۳.

حضرت نبی اکرم ﷺ است که فرمودند: «هر کس به زیارت من بیاید و هیچ حاجتی به غیر از زیارت من نداشته باشد، بر من واجب است شفیع او در روز قیامت باشم».^۱

نتیجه

دیوبندیان برخلاف ابن تیمیه و تابعینش نه تنها سفر بر زیارت پیامبر اکرم ﷺ را جایز می‌دانند، بلکه این سفر را در زمره اعمال عبادی‌ای دانسته‌اند که زائر به خاطر آن اجر خاصی را در آخرت می‌برد. این عبادت از بافضیلت‌ترین اعمال مستحبی نزد دیوبندیان است، به حدی که آن را قریب به وجوب می‌دانند. آنها احادیث وارده در این باب را قبول دارند، به طوری که عمل به این احادیث را جایز می‌دانند، و بر زائر حریم نبوی لازم نمی‌دانند که قصد رفتن به مسجدالنبی کند، بلکه سزاوار می‌دانند که زائر به قصد زیارت قبر نبی مکرم اسلام عازم مدینه منوره شود.^۲

۱. خلیل احمد سہانیپوری، المہند علی المہند، ص ۳۳-۳۶.

۲. این خلاصه رویکردی است که علمای دیوبندیه در مسئله دارند که حسین احمد مدنی به آن اشاره کرده است و ما به عنوان خلاصه کلام در اینجا مناسب دیدیم؛ نک: حسین احمد مدنی، الشہاب الثاقب علی المسترق الکاذب، ص ۴۵-۴۶.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن تیمیہ حرانی، احمد بن عبدالحلیم، **الفتاویٰ الکبریٰ**، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، مصطفیٰ عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۳. _____، **اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم**، تحقیق: ناصر عبدالکریم العقل، بیروت: دار عالم الکتب، چاپ هفتم، ۱۴۱۹ق.
۴. _____، **مجموع الفتاویٰ**، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، مدینہ: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۱۶ق.
۵. _____، **الرد على الأخنائي قاضي المالكية**، تحقیق: الدانی بن منیر آل زھوی، بیروت: المكتبة العصرية، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۶. ابن حنبل شیبانی، احمد بن محمد، **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، تحقیق: شعيب الأرناؤوط - عادل مرشد، وآخرون، بی جا: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۷. ابن عبدالهادی، محمد بن احمد، **العقود الدرية من مناقب شيخ الإسلام أحمد بن تيمية**، تحقیق: محمد حامد الفقی، بیروت: دار الکاتب العربی، بی تا.
۸. ابن لھمام، محمد بن عبدالواحد، **فتح القدير**، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۹. ابن نجار، محمد بن محمود، **الدرة الثمينة في أخبار المدينة**، تحقیق: حسین محمد علی شکر، بی جا: شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم، بی تا.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، **الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله وسننه وأيامه (صحيح البخاري)**، تحقیق: محمد زھیر بن ناصر، بی جا: دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۱. تھانوی، اشرف علی، **امداد الفتاویٰ**، بترتیب جدید مفتی محمد شفیع صاحب، کراچی: مكتبة دار العلوم، ۱۴۳۱ق.
۱۲. حسینی بنوری، سید محمد یوسف بن محمد زکریا، **معارف السنن شرح سنن الترمذی**، کراچی: نشر ایجو کیشنل بريس، چاپ چهارم، ۱۴۱۳ق.
۱۳. دارقطنی، علی بن عمر، **سنن الدارقطني**، تحقیق: شعيب الارناؤوط و شلبی و دیگران، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.
۱۴. سھارنپوری، خلیل احمد، **بذل المجھود في حلّ أبي داود**، تعلیقہ: کاندھلوی محمد زکریا، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی تا.
۱۵. _____، **عقائد علماء أهل السنة الديوبندية (المهتد على المفئد)**، تحقیق: دکتر سید طالب الرحمن، جامعة الإمام محمد بن سعود الاسلامیة، ریاض: چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
۱۶. شوکانی، محمد بن علی، **نیل الأوطار**، تحقیق: عصام الدین الصبابی، مصر: دار الحديث، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

۱۷. طیب، محمد، **علماء دیوبند عقیدة ومنهجها**، دیوبند: نشر دانشگاه اسلامی دار العلوم، چاپ دوم، ۱۴۳۰ق.
۱۸. عثمانی دیوبندی، محمد شفیع، **معارف القرآن**، ترجمہ: محمد یوسف حسین پور، تربت جام: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، چاپ چہارم، ۱۳۸۶ ش.
۱۹. عثمانی، شبیر احمد، **موسوعة فتح الملہم بشرح صحیح الإمام مسلم بن حجاج القشیری**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۲۰. قسطلانی، احمد بن محمد، **إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری**، مصر: المطبعة الكبرى الأميرية، چاپ ہفتم، ۱۳۲۳ق.
۲۱. کاندھلوی، محمد ادیس، **التعلیق الصبیح علی مشکاة المصابیح**، دمشق: نشر الاعتدال، چاپ اول، بی تا.
۲۲. کشمیری، محمد انور شاہ، **العرف الشذی شرح سنن الترمذی**، تحقیق: محمود احمد شاکر، بی جا: مؤسسه ضحی للنشر والتوزیع، چاپ اول، بی تا.
۲۳. _____، **فیض الباری علی صحیح البخاری**، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۲۰۰۵م.
۲۴. _____، **العرف الشذی شرح سنن الترمذی**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۲۵. مالکی، محمد بن علوی، **زیارة النبویة بین البدعیة والشرعیة**، ابوظبی: نشر المجمع الثقافی، بی تا.
۲۶. مدنی، حسین احمد، **الشہاب الثاقب علی المسترق الکاذب**، لاہور: دار الكتاب، چاپ دوم، ۲۰۰۴م.
۲۷. نسائی، احمد بن شعیب، **سنن النسائی بشرح السيوطی وحاشية السندی**، تحقیق: مکتب تحقیق التراث، بیروت: دار المعرفة، چاپ پنجم، ۱۴۲۰ق.
۲۸. نووی، یحیی بن شرف، **المجموع شرح المہذب**، بیروت: دار الفکر، بی تا.
۲۹. نیشابوری، مسلم بن حجاج، **المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صحيح مسلم)**، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.

پژوهش‌نامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال چهارم ♦ شماره ۱۵ ♦ پاییز ۱۳۹۳
صفحات: ۸۵-۱۱۹ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۸ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۳/۰۹/۱۰



بررسی و نقد رابطه دعا و عبادت، از منظر قرآن و هابیت قادر سعادت^{*}

چکیده

با بررسی واژه «دعا» در قرآن و روایات، روشن می‌شود که دعا در اصطلاح دینی مفاهیمی غیر از معنای لغوی آن دارد. لذا هر دعایی عبادت نیست، و بین عبادت و دعا، رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است. از این رو، ادعای وهابیت که دعا را به معنای عبادت گرفته‌اند، و درخواست از غیر خدا را عبادت و شرک تلقی کرده‌اند، و برای اثبات نظرشان به مغالطه‌هایی چنگ زده‌اند، صحیح نیست. در این مقاله به تبیین صحیح دعا و عبادت، و نقد نظر وهابیت پرداخته می‌شود.
کلیدواژه‌ها: وهابیت، دعا و عبادت، استغاثه، توسل.

مقدمه

درک صحیح مفاهیم برخی از الفاظ به کاررفته در قرآن، و جداسازی این معانی از معانی لغوی آنها، کمک زیادی به درک حقایق قرآن می‌کند. از مفاهیم مورد بحث، مفهوم «دعا» و «عبادت» است و اینکه چه رابطه‌ای بین اینها برقرار است. آیا هر درخواستی عبادت است یا نه؟ آیا درخواست از غیرخدا، که در قرآن از آن نهی شده، شامل درخواست مسلمانان از انبیا و اولیا می‌شود؟ در چه صورتی درخواست از غیرخدا شرک محسوب می‌شود؟ برای دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها لازم است ابتدا مفهوم «دعا» و «عبادت» در قرآن را بررسی می‌کنیم. سپس رابطه بین آنها را می‌کاویم و به ربط آنها با شرک و توحید می‌پردازیم.

معنای لغوی دعا

راغب در معنای لغوی دعا گفته است: «الدُّعَاءُ - مثل - التَّدَاءُ؛ یعنی کسی را بانگ زدن و خواندن جز اینکه ندا را در بانگ زدن بدون اضافه کردن اسم آن شخص به کار می‌برند، مثل «ایا» ولی دعا، بانگ زدن و خواندن است که پیوسته با اسم طرف همراه است، مثل «یا فلان». و گاهی این دو واژه به جای یکدیگر به کار می‌روند.^۱ صاحب مصباح المنیر می‌نویسد: «دَعَوْتُ اللَّهَ (أَدْعُوهُ) (دُعَاءٌ) ابْتَهَلْتُ إِلَيْهِ بِالسُّؤَالِ وَ رَغِبْتُ فِيَمَا عِنْدَهُ مِنَ الْخَيْرِ. وَ (دَعَوْتُ) زَيْدًا نَادَيْتُهُ وَ طَلَبْتُ إِقْبَالَهُ»؛^۲ یعنی خدا را دعا کردم و تضرع کردم به سوی او با درخواست و راغب شدم به خیری که نزد اوست. «و دعوت زیداً» یعنی او را ندا کردم و اقبالش را خواستم.

و برخی در اصل معنای دعا گفته‌اند: «هو طلب شيء لأن يتوجه إليه أو يرغب إليه أو يسير إليه، ففي كل مورد بحسبه ... و مفهوم النداء فيه جهة المخاطبة فقط، و هو مطلق الصياح به، و هو مقدم على الدعاء»؛^۳ یعنی اصل معنای دعا طلب چیزی است که متوجه

۱. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۱۵.

۲. احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۹۴.

۳. حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۲۱۷.